

## "قابل توجه اعضاء محترم انجمن مشاوران مدیریت ايران"

موضوع: رای دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم نیاز به ارائه تأییدیه قبوض مالیاتی مودیان

( لغو بخشنامه شماره 46378 مورخ 77/9/26 )

پیرو درخواست‌ها و شکایات مطرح شده از جانب مودیان مالیاتی در رابطه با لزوم اخذ تأییدیه قبوض مالیات پرداختی از ادارات مالیاتی و مشکلات پدید آمده در این مورد، رأی دیوان عدالت اداری به شرح زیر صادر گردید :

“بخشنامه شماره 46378 مورخ 1377/9/26 معاونت وزارت امور اقتصادی و دارایی که مودیان را علاوه بر پرداخت 5٪ مالیات مستقیم به کارفرمایان مکلف به دریافت تأییدیه قبوض پرداختی از ادارات مالیاتی مربوطه می‌نمود باطل گردیده و براساس مفاد ماده 104 قانون مالیات‌های مستقیم مصوب 1366 صرفاً ارائه تصویر قبوض پرداختی از جانب مودیان ، کفایت می‌نماید.  
برای کسب اطلاعات بیشتر به فایل پیوست مراجعه فرمایید.

دبیرخانه انجمن

## رای هیات عمومی

نظر به اینکه به موجب ماده ۲۷ قانون کار و تبصره یک آن، فسخ قرارداد کار توسط کارفرما منوط به احراز قصور کارگر از انجام وظایف یا نقض این نامه‌های تضامنی با تذکر کتبی کارفرما و کسب نظر مثبت شورای اسلامی یا انجمن صنفی یا هیات تشخیص حسب مورد می‌باشد و اخراج کارگر بدون رعایت تشریفات فوق فاقد محلل قانونی است، بنابراین دادنامه شماره ۱۰۵۹ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۲ شعبه بیستم دیوان عدالت اداری در حدی که منضم این معنی است، صحیح و موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

هیات عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

۳- وزیر آموزش و پرورش مسئول حسن اجرای این مصوبه بوده و دبیرخانه شورای عالی اداری، گزارش اجرای آن را به شورا ارایه می‌نماید.  
رئیس جمهور و رئیس شورای عالی اداری - محمود احمدی نژاد

شماره هـ/۱۵۸/۹۰ تاریخ: ۱۳۹۰/۳/۱۶ شماره دادنامه: ۱۱۵ کلاس پرونده: ۱۵۸/۹۰

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری  
شاکی: آقای علی حسین قربانی لاجوان  
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض  
گردشکار: آقای علی حسین قربانی به موجب دادخواست تقدیمی مدعی گردیده، شعب نهم و بیستم دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعتراض اینجانب و فرزندم به رای هیات حل اختلاف اداره کار و تأمین اجتماعی شهرستان شهریار آراء متفاوتی صادر کرده‌اند بدین نحو که شعبه نهم شکایت اینجانب به خواسته اعتراض به اخراج را غیرموجه تشخیص و حکم به رد آن صادر نموده ولیکن شعبه بیستم در رسیدگی به شکایت فرزندم جمشید قربانی و به خواسته اعتراض به رای هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان شهریار و اعتراض به اخراج حکم به ورود شکایت و نقض رای هیات حل اختلاف صادر نموده است. نظر به اینکه اینجانب و فرزندم هر دو در یک کارگاه مشغول کار بوده و هر دو در اثر یک حادثه و به تصمیم غیر قانونی کارفرما از کار اخراج شدیم و شعب دیوان عدالت اداری به کیفیت مذکور آرای متفاوت صادر کرده‌اند، صدور رای وحدت رویه مورد استدعاست.

گردشکار پرونده‌ها و مشروح آراء به شرح زیر می‌باشند:  
الف: آقای علی حسین قربانی لاجوان، دادخواستی به طرفیت هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان شهریار و به خواسته ابطال رای شماره ۲۴۳۳۲ [۲۰۶۱۲ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۳۱] هیات حل اختلاف آن شهرستان به دیوان عدالت اداری تقدیم و رسیدگی آن به شعبه نهم دیوان ارجاع و این شعبه به موجب دادنامه شماره ۱۶۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۲۸، به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید:

« با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و مدارک و مستندات ابرازی و ملاحظه جوابه ارسالی به شماره ثبت ۱۳۶۴ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۱، نظر به اینکه ادله موجهی که موجب قانونی برای پذیرش ادعای شاکی را فراهم نماید ارائه و تحصیل نگردیده است از طرفی تخطی یا تخلفی از مقررات قانونی و ضوابط مربوط در فعل مشتکی عنه مشهود و ملحوظ نمی‌باشد و از این حیث ایرادی بر اقدامات و تصمیمات سازمان طرف شکایت مترتب نیست لذا دفاعیات واسله را مقرون به صحت تلقی و بنا به مراتب یادشده شکایت مطروحه را غیروارد تشخیص، حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید»

ب: آقای جمشید قربانی، دادخواستی به طرفیت هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان شهریار و به خواسته ابطال رای شماره ۲۴۴۸۸ [۲۰۵۹۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۳۱] هیات حل اختلاف آن شهرستان به دیوان عدالت اداری تقدیم و رسیدگی آن به شعبه بیستم دیوان ارجاع و این شعبه به موجب دادنامه شماره ۱۰۵۹ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۲ به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید:

« نظر به شرح شکایت شاکی و با توجه به محتویات پرونده مشکله در اداره کار شکایت شاکی اعتراض به اخراج از کار است که هیات‌های تشخیص و حل اختلاف بدون توجه بر اساس اختلاف طرفین که تعویق هفتاد روزه حقوق کارگر و سایر کارگران تحت امر وی در واحد کاری بوده‌اند و به حکایت اسناد و مدارک پیوست و از جمله گوهی بزنگی قانونی کارفرما در قبالت خواسته سرکارگر مذکور به مطالبه حقوق شدیداً وی را کتک کاری و مصادوم نموده است و بدون اهتمام در حل اختلاف طرفین مبادرت به اعلام قطع رابطه کاری طرفین نموده است که نظر به مراتب شکایت شاکی وارد تشخیص، حکم به ورود شکایت شاکی و نقض رای معترض عنه صادر و اعلام می‌دارد. پرونده جهت رسیدگی دقیق وفق مفاد این دادنامه و توجه به مقررات قانون کار به هیات هم عرض ارجاع می‌گردد.»

هیات عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و داوران علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

شماره هـ/۱۰۲۵/۸۸ تاریخ: ۱۳۹۰/۳/۱۶ شماره دادنامه: ۱۰۶ کلاس پرونده: ۱۰۲۵/۸۸

مرجع رسیدگی: هیات عمومی دیوان عدالت اداری  
شاکی: شرکت رشدصنعت  
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۴۶۳۷۸ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۶  
معلون درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی  
گردشکار: شاکی به موجب دادخواست تقدیمی، ابطال بخشنامه شماره ۴۶۳۷۸ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۶ معلون درآمدهای مالیاتی وقت وزارت امور اقتصادی و دارایی را خواستار و در توضیح و تبیین خواسته اشعار داشته است که:

« در مورد برخی از مودیان از جمله شرکت‌های بیمه‌نگاری به موجب ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم کارفرما از هر پرداخت ۷۵٪ مالیات کسر نموده و به اداره مالیاتی مرتبط با کارفرما واریز می‌نماید و یک نسخه از قبض پرداخت را به مودیان (بیمه‌گذاران) ارائه می‌نماید که شرکت‌های بیمه‌نگاری نیز این قبوض را در قبالت اعلام بدهی مالیات عملکرد هر سال توسط اداره مالیاتی مرتبط با شرکت‌های بیمه‌نگاری ارائه می‌نمایند که از بدهی مالیاتی اعلام‌شده کسر گردد. به عبارت دیگر ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم به کیفیت سادهای تکلیف مودیان را مشخص نموده و آن این است که همان قبوض دریافتی از حوزه‌های مختلف مالیاتی برای مودیان کافی است. مناسفانه واحدهای تابعه سازمان امور مالیاتی کشور با استناد به بخشنامه شماره ۴۶۳۷۸ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۶ معاونت وقت وزارت امور اقتصادی و دارایی مودیان را مکلف می‌نمایند که علاوه بر قبوض مالیاتی فوق‌الذکر تأییدیه قبوض رأی نیز از ادارات مالیاتی دریافت کنند و وجه مالیاتی دریافت و ارائه نمایند. این تکلیف گذشته از آن که خلاف نص صریح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد موجب ایجاد زحمت و هزینه‌های سنگین و اتلاف وقت جهت مودیان می‌گردد تا با اعزام مأمور و هزینه سفر و اقامت تأییدیه‌های مورد درخواست بخشنامه را تهیه نمایند که نوعاً مواجه با اشکالات و ایرادات گوناگون اداری در تهیه تأییدیه‌ها می‌گردد که یک مورد آن تغییر ادارات امور مالیاتی است. مثل تقسیم پرونده‌های مالیاتی از شرکت‌ها به ادارات کل غرب، شرق، شمال، جنوب، مرکز و مودیان بزرگ مالیاتی و همچنین شهرستان‌های دیگر می‌باشد به خصوص در مورد شرکت‌هایی مشابه این شرکت تعداد قبوض پرداخت مالیاتی از سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ بالغ بر چند صد فقره مرتبط با اقصی نقاط کشور از قشم تا تبریز و کرمان و... می‌گردد.

از طرف دیگر قبول پرداخت مالیات‌های تکلیفی به طور رسمی و قانونی از سوی ادارات مالیاتی تبعه سازمان امور مالیاتی صادر شده است که تأیید آنها با مراجعه به حساب‌های بانکی و با توجه به امکانات وزارت امور اقتصادی و دارایی و از همه مهمتر از طریق سیستم‌های رایانه‌ای که مدهت‌است در سازمان امور مالیاتی معمول و متمرکز گردیده است باید امر سادهای باشد قابل ذکر است که بخشنامه فوق‌الذکر در تاریخ ۱۳۷۷/۹/۲۶ صادر شده است که در عمل تا سال ۱۳۸۲ شاید به دلایل مسائل معروضه فوق متروک و مسکوت مانده بود که مناسفانه از سال ۱۳۸۲ به جریان افتاده است و جالب این است که خود سازمان امور مالیاتی به این زحمت‌ها و مشکلات توجه داشته است و در جواب نامه شماره ۸۸۶۰۱۰۲۹۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۸ این شرکت به معاونت سازمان امور مالیاتی، به موجب نامه شماره ۲۳۳۲/۷۰۶۶۱ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۸ مدیرکل دفتر حساب‌های مالیاتی عنوان نموده است که در صدر رفع آن می‌باشد، اما تا رفع آن همساله مودیان مالیاتی خصوصاً

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و نادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و شهرداری‌ها، موسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند (الف) ماده ۹۵ این قانون مکلفاند در هر مورد که بابت حق‌الزحمه پزشکی، هزینه‌های بیمارستانی و... وجوهی به هر عنوان پرداخت می‌کنند، پنج درصد آن را به عنوان علی‌الحساب مالیات مودی دریافت‌کننده (وجوه) کسر و ظرف سی روز به حساب تعیین‌شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید آن را به مودی تسلیم نمایند و همچنین ظرف همین مدت مشخصات دریافت‌کنندگان را با ذکر نام و نشانی آنها به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط ارسال دارند. نظر به اینکه برای مودیان به غیر از تکالیف مندرج در ماده ۱۰۴ قانون فوق‌الذکر تکلیف دیگری پیش‌بینی نشده است بنابراین بخشنامه معترض‌عنه در حدی که مفید الزام مودی به ارائه اصل یا تصویر قبوض وجوه کسر و ایصال‌شده به حساب درآمدهای مالیاتی با تأیید کتبی سرممیز اداره کل مربوط می‌باشد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص و به استناد بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدجعفر منتظری

شرکت‌های بیمه‌کاری دچار مشکلات و عوقلب آن می‌باشند و حتی با وجود آن که مالیات منتقله پرداخت‌شده‌است تا سال‌ها صدور برگ قطعی (تسویه‌حساب) به طول می‌انجامد. موارد متعددی است که کارفرمایان با ارسال فهرست کارهای انجام شده توسط بیمه‌کاران متعدد طی یک فقره چک مالیات منتقله را به اداره مالیاتی مربوطه ارائه می‌نمایند و ادارات مالیاتی علی‌رغم تأکید سازمان مالیاتی مبادرت به صدور قبوض مالیاتی به تفکیک مودیان نمی‌نمایند لذا مودیان رسیدی در مورد مالیات‌های واریزی ندارند که در آن صورت نیاز به دریافت تأییدیه از ادارات مالیاتی دریافت‌کننده مالیات الزامی می‌باشد، نه وجود داشتن قبض با عنایت به مراتب فوق و با توجه به صلاحیت قانونی دیوان عدالت اداری، استدعا دارد به این امر و موضوعیت این بخشنامه محل نظم اداری و جاری رسیدگی و حکم به لغو آن صادر فرمایند تا مودیان سرگردان و بلا تکلیف نمانند و از اتلاف وقت اموال و اوقات مودیان و همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی و سایر مراجع دولتی که موجب افزایش در هزینه ملی می‌گردد جلوگیری به عمل آید»

مشنکی‌عنه به موجب لایحه دفاعیه شماره ۲۱۲/۲۲۵۷/ص مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۶، اشعار داشته است که:

\* براساس مفاد ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی آن وزارتخانه‌ها و... کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص حقیقی که طبق مقررات این قانون مکلف به تکاملیاری دفاتر قانونی، روزنامه و کل می‌باشند مکلفند در هر مورد که بابت حق‌الزحمه و... که به هر عنوان پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را به عنوان علی‌الحساب مالیات مودی (دریافت‌کننده وجوه) کسر و ظرف سی‌روز به حساب تعیین‌شده از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی واریز و رسید آن را به مودی تسلیم نمایند و همچنین ظرف همین مدت مشخصات دریافت‌کنندگان را با نام ذکر نام و نشانی آنها به حوزه مالیاتی ذی‌ربط ارسال دارند و...

اولاً، مستنبط از ماده مرقوم و نظریه شماره ۲۰۱۵/۴۵۹ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۷ مدیرکل دفتر فنی مالیاتی حوزه صلاحیتدار برای وصول مالیات‌های علی‌الحساب موضوع ماده صدرا‌الاشاره و حوزه مالیاتی محل پرداخت وجوه می‌باشد.

ثانیاً، در خصوص کسر و ایصال مالیات‌های تکلیفی مقرر در قانون فوق‌الذکر و رفع ابهامات و مشکلات در مورد انجام کلیه امور مربوط به مفاد بخشنامه مورد شکایت بخشنامه شماره ۲۰۴۰۷۱۲۳/۲۷۰۰۲ مورخ ۱۳۷۹/۸/۷ معاون درآمدهای مالیاتی صادر و در آن محل پرداخت مالیات‌های تکلیفی بین ادارات کل مالیات‌های تهران و ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استان‌ها و حوزه‌های مالیاتی صالح برای دریافت مالیات‌های تکلیفی به طور جامع و منجز و صریح مشخص گردیده است.

ثالثاً، با توجه به ویژگی‌های مالیات‌های تکلیفی از جمله علی‌الحساب و غیرقطعی بودن مالیات پرداختی مقنن - استرداد وجوه مذکور و یا احتساب آن را به عنوان مالیات پرداخت شده به موجب تبصره ۳ ماده ۱۰۵ و ماده ۱۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم پیش‌بینی نموده است. زمامتاً با توجه به اینکه بعضی از حوزه‌های مالیاتی قبول وجوهی را که قبلاً در منبع، به عنوان مالیات‌های تکلیفی از مودیان کسر و به حساب درآمدهای مالیاتی واریز شده بود منوط به واریز وجوه مزبور به حساب مخصوص اداره کل ذی‌ربط می‌نمودند که لازمه آن درخواست انتقال مالیات‌های مکسوره از اداره کل دریافت‌کننده وجوه به اداره کل متبوع می‌باشد و این امر علاوه بر صرف وقت بی‌حاصل موجب تراضیاتی مودیان و مضاعف شدن آمار وصولی می‌گردید بنابراین بخشنامه مورد شکایت به منظور اجتناب از اتلاف وقت مودیان مالیاتی و جلوگیری از مضاعف شدن آمار وصولی صادر و در آن حوزه‌های مالیاتی را مکلف نموده مالیات‌های تکلیفی پرداخت شده را در صورت ارائه اصل یا تصویر برابر اصل قبوض وجوه کسر و ایصال شده به حساب درآمدهای مالیاتی با تأیید کتبی سرممیز مالیاتی اداره کل دریافت‌کننده وجوه به عنوان مالیات پرداختی مودی قبول نمایند. ضمناً متذکر می‌گردد، به منظور تکمیل ارباب رجوع به جهت تسهیل تأیید قبوض مالیاتی با توجه به مشکلات مودیان مالیاتی مطروحه و دادخواست شاکه، با توجه به اینکه تأیید قبوض مالیاتی موضوع بخشنامه مورد شکایت نیاز به ساماندهی گسترده در سطح کشور دارد، مرکز فناوری اطلاعات در حال فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم جهت راه‌اندازی خطوط HPLC می‌باشد بدیهی است با راه‌اندازی خطوط مذکور به زودی مشکلات مزبور منفع خواهد گردید.

با عنایت به توضیحات فوق‌الذکر تقاضای رد شکایت و تأیید بخشنامه مورد شکایت را دارد»

شماره ۹۶۴/۸۷/۱ تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۹ شماره دادنامه: ۸۴ کلاس پرونده: ۹۶۴/۸۷/۱  
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
شاکه: دبیر هیأت مرکزی گزینش سازمان تأمین اجتماعی  
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴ قسمت (الف) دستورالعمل شماره ۱۳۸۷/۱۰/۳ مورخ ۲۰۰۰/۱۵/۲۶  
معلومات اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی  
گردشکار: دبیر هیأت مرکزی گزینش سازمان تأمین اجتماعی به موجب شکایت شماره ۱۴۴۰/۴۵۷۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۹، ابطال بخشنامه شماره ۲۰۰۰/۱۵/۱۳۳۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱۲ معاون مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در امور درمان و همچنین ابطال دستورالعمل شماره ۲۰۰۰/۱۵/۲۶ مورخ ۲۰۰۰/۱۵/۲۶ معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی را خواستار گردیده و در تبیین خواسته چنین اشعار داشته است که:  
۱- دستگاه طی صدور دستورالعمل شماره ۲۰۰۰/۱۵/۱۳۳۸ مورخ ۸۷/۵/۲ در ترکیب اعضای تشکیل‌دهنده کمیته مصاحبه تخصصی و علمی، نماینده گزینش را با این عنوان که می‌تواند بدون حق رأی در کمیته حضور داشته باشد (بند ۴ قسمت (الف) دستورالعمل مذکور) تعیین نموده‌اند در حالی که قانونگذار در اجرای بند ۱ ماده ۱۲ قانون گزینش و تبصره ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش کشور مصوب مجلس شورای اسلامی، تکلیف نموده است در صورت نیاز به انجام مصاحبه‌های تخصصی و علمی با داوطلبان، حضور یک صاحب نظر به نمایندگی از هیأت یا هسته ضروری می‌باشد. مضافاً با عنایت به قسمت ختام همین تبصره عنوان شده است دستورالعمل این تبصره توسط هیأت عالی تهیه و ابلاغ خواهد شد. در این راستا هیأت عالی گزینش طی نامه شماره ۲/۱۹۲۲۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۲۲ دستورالعمل نحوه حضور یک نفر صاحب نظر از گزینش در مصاحبه‌های تخصصی و علمی را پس از تصویب جهت اطلاع و اجرای دقیق مفاد آن به کلیه هیأت‌های مرکزی گزینش، لذا با استناد به ماده ۷ دستورالعمل مارالذکر نماینده صاحب نظر گزینش را دارای حق رأی دانسته است. شایان ذکر است پس از صدور دستورالعمل اداری دستگاه این هیأت مراتب مفاد قانونی را طی مکاتبات متعدد به مرجع صدور دستورالعمل و بالاترین مقام دستگاه اعلام نموده است و علی‌رغم تأیید مراتب از ناحیه مدیرعامل و مدیرکل دفتر هیأت مدیره و صدور بلاغ شماره ۷۰۸۹۶/۱۱۰۰۱۳۴۲ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ ولیکن تاکنون از ناحیه اصدارکنندگان دستورالعمل مورد نظر این هیأت، هیچ گونه اقدام موثری در جهت ابطال و اصلاح آن صورت نپذیرفته است.  
۲- دستگاه طی دستورالعمل شماره ۲۰۰۰/۱۵/۲۶ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۳ صادره از ناحیه معاون اداری و مالی با موضوع وظیفه واحد در ارتباط با انجام مراحل گزینش